

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۸ می ۲۰۲۴

واقعیت های پنهان در عقب ادعاهای فریبنده!

(۲)

سه شنبه- ۱۸ ثور ۱۴۰۳ - کابل:

واقعیت های پنهان:

۱- جانب مردم: با حرکت از این واقعیت که از همان آغاز انتقال قدرت از حاکمیت مستعمراتی تکنوکراتها به نوکران زرخیز طالب به وسیله اشغالگران و سپردن زمام افغانستان به طالب در عوض "غنی احمدزی"، کلیه زیر ساخت های اقتصادی و اداری وابسته کشور، علی رغم پرداخت ماهوار بیش از ۱۶۰ میلیون دالر مستمری از جانب امپریالیسم امریکا به نواله خوران طالب، در مسیر رکود و سقوط مطلق روان شده، شمشیر بیکاری، فقر و فقدان مواد غذایی بر گردن نحیف اکثر باشندگان کشور به فرود آمدن شروع نمود، از جمله وضعیت اقتصادی در ولسوالی ها و ولایات بدخشان و تخار نیز رو به وخامت گذاشت.

آنچه وضع زندگی مردم آن دیار را بیشتر مشقتبار می ساخت به گفته یک تن از همسایگان سابق ما در کارته مأمورین که برخاسته از یکی از خانواده های معروف فرهنگی و معزز ولایات تخار می باشد و ملاحظات امنیتی من را از بردن نامش مانع می گردد، حاکمیت طالب در ولایات بدخشان و تخار از چند جهت بر سطح زندگی مردم تأثیر سوء گذاشته است:

الف- فعالیت زراعتی مردم در کنار آن که بالای اراضی قباله دار خودشان بود، به مثابه یک سنتی که هیچ کس تاریخ آغاز آن را به خاطر ندارد بر اراضی "لامالک" که به نحوی به مثابه مالکیت جمعی یک قریه - به مانند مالکیت جمعی بر جنگلات در ولایات پکتیا، پکتیکا، خوست و کنر-ها- به شمار می رفت نیز توسعه می یافت. از آن جایی که اکثر آن اراضی و مراتع آب شان را از طبیعت دریافت می داشتند، به همان سان که مراتع آنها سرسبزی طبیعی شان را در خدمت مالدار و تربیه مواشی به صورت رایگان می گذاشت، اراضی زراعتی آن نیز به صورت للمی آنهم یک فصل در میان مورد استفاده قرار می گرفت. مردم این مناطق کلاً با استفاده از کشت للمی و آبی می توانستند نان بخور و نمیر شان را تهیه بدارند.

با گماشته شدن طالب در رأس امور، زیر عنوان "استرداد اراضی مصادره شده" حاکمیت ضد ملی و وابسته به بیگانگان، نخستین حمله اش را بر اراضی مالکیت جمعی نموده، به مردم اجازه ندادند تا به مانند گذشته های دور از

"مالکیت جمعی" منطقه ئی شان استفاده نمایند، این سیاست ضد انسانی طالب مردم را بیشتر به طرف فقر سوق داده، در مناطق کم زمین تهیه نان خشک را نیز برای آنها دشوار گردانید؛

ب- از آنجائی که در طی بیست سال حاکمیت مستقیم امپریالیسم امریکا و شرکاء بر افغانستان اشغالی، طبقات حاکم اعم از جنگسالاران، زمینداران و قاجاقبران عمدتاً به پایبوسی اشغالگران اشتغال داشتند، اقشار و طبقات طفیلی ولایات تخار و بدخشان نیز به مانند سایر همتباران طبقاتی شان، نه تنها خود در خدمت و در رکاب امپریالیسم جانفشانی می نمودند، بلکه با سوءاستفاده از فقر و فقدان آگهی طبقاتی و ملی توده، به هزاران تن از فرزندان توده های محروم را جذب نیروهای امنیتی حاکمیت مستعمراتی معدوم نموده بودند.

این را همه می دانیم که به محض گماردن طالب به قدرت، علی رغم آن که گویا در موافقتنامه دوحه کتباً و شفاهاً از طالب تعهد گرفته بودند، که افراد عادی شاغل در نیروهای امنیتی را مورد تعقیب قرار ندهند، به همان سان که تعهد شاهی را باد برد تعهد کتبی نیز زیر پای شده در نتیجه حد اقل بین ۱۵ الی ۲۰ هزار تن از جوانان وطن ما یکشنبه نه تنها بیکار شدند و درآمد شان را از دست دادند بلکه با شناختی که از طالب و کشتار های مخفیانه اش وجود داشت، برای زنده ماندن اکثراً فرار نموده، منطقه را از نیروی کار آماده محروم ساخت؛

پ- با در نظر داشت این که بعد از فاجعه خونین و نکبتبار ثور ۱۳۵۷، حاکمیت بر افغانستان یا توان گرفتن مالیه چه از اراضی و تولیدات زراعتی و چه از مواشی را نداشتند و یا هم فریبکارانه می خواستند با نگرفتن مالیه براستحکام پایه های مادی حاکمیت های متزلزل شان بیفزایند، می شود گفت در تمام این ۴ دهه اگر توده ها چیزی از حاکمیت ها دریافت نمی داشتند حد اقل مجبور به پرداخت مالیه نیز نبودند.

با رویکار آوردن طالب، مسأله عشر و زکات که تا آن زمان به مثابه یک اصل عبادی - اعتقادی از طرف مردم مراعات می گردید، شکل حکومتی را به خود گرفته، اکنون مردم مجبور اند از سفره خالی شان نیز زکات بپردازند. عشر گیری و زکات ستانی طالب کار را به جائی رسانیده که به گفته تعدادی از کسانی که بیشتر در روستاها زندگانی دارند و از کمکهای مؤسسات خیریه بین المللی شکم زن و فرزند شان را سیر می نمایند، طالب از آن کمکها نیز از مردم عشر می گیرد در غیر آن به آنهایی که از دادن "عشر صدقه و خیرات غرب" امتناع می ورزند اجازه حضور به محل دریافت آن کمکها را نمی دهند.

ت- بیکار ساختن و طرد زنان از اجتماع به خصوص جامعه تولیدی خارج از خانه هر چند به مانند شهر های بزرگ در ولسوالی ها تأثیر فراگیر و گسترده ندارد، باز هم در کل فشاری که بر زنان به خصوص زنان نان آور خانواده وارد می شود، ناگزیر کلیت خانواده را متضرر ساخته برای جبران ضرر راه های بدیلی را جست و جو می نمایند.

هموطنان گرامی!

وقتی می خوانیم که در این و یا آن ولسوالی بدخشان، کنرها، لغمان و سایر مناطق کوهستانی و کم زمین که مساحت زمین آن مناطق را به اصطلاح با "پوست گاو" سنجش می نمایند، مردم به جای کشت کدوم و سایر غلجات و حبوبات مورد ضرورت به کشت خشخاش و یا سایر نباتات مخدره روی می آورند، نباید عاجل جلو چشم ما رؤسای باند های مواد مخدر و میلیونر هائی مجسم گردد که از فرط سیری "قند تفاله" می کنند بلکه متوجه این نکته نیز باشیم که با در نظر داشت ارتقای فیم در تمام زمینه ها، یک خانواده دهقانی گرسنه، بیکار و فقیر می خواهد خود و فرزندانش را با کشت نباتات نشئه آور اگر از گرسنگی نجات داده نمی تواند از مرگ محتوم نجات دهد.

ادامه دارد

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!